



آزاداندیش تر از علامه طباطبائی ندیدم/ علم بر عبادت افضل است

ابراهیمی دینانی، چهره ماندگار فلسفه گفت: علامه طباطبائی در سه شهر سنتی زندگی کرد، بنابراین، علی القاعده ایشان باید سنتی فکر کنند اما من آزاداندیش تر از این مرد ندیدم.

ابراهیمی دینانی، چهره ماندگار فلسفه گفت: علامه طباطبائی در سه شهر سنتی زندگی کرد، بنابراین، علی القاعده ایشان باید سنتی فکر کنند اما من آزاداندیش تر از این مرد ندیدم.

به گزارش خبرگزاری مهر، اسماعیل منصوری لاریجانی در همایش «بررسی آرا و اندیشه های حکمی و تفسیری آیت الله جوادی آملی از منظر پژوهشگران» که به میزبانی دانشگاه تهران با حضور جمعی از اندیشمندان دانشگاهی و حوزوی در دانشگاه تهران برگزار شد، سوالاتی را از غلامحسین ابراهیمی دینانی، چهره ماندگار فلسفه پرسید.

منصوری لاریجانی، محقق و مولف عرفان اسلامی با طرح این سوال که حکمت از نظر شما در حوزه فلسفه و معرفت شناسی چه معنایی دارد با توجه به اینکه در آثار شما حکمت تعبیر خاصی داشته و همان حقیقت بیداری را ایجاد کرده و صرف تعقل نیست، خطاب قرار داد و دینانی نیز در پاسخ چنین گفت: حکمت از نظر لغت از حکم می آید و حکم از استحکام؛ استحکام نیز یعنی بسیار محکم و حکم یعنی حاکم بودن عقل. بنابراین، حکمت یعنی اندیشه و تعقلی که عقلانی بوده و استحکام داشته باشد، به همین جهت در جهان اسلام ما به جای فلسفه بیشتر از کلمه حکمت استفاده می کنیم.

وی ادامه داد: فلسفه واژه ای خارجی و یونانی است که از زمان سقراط این کلمه به کار برده شد؛ سقراط خود را فیلسوفوس یعنی دوستدار دانش می نامید. بنابراین، آنچه استحکام عقلانی و برهانی ندارد حکمت نیست و البته ما حکمای بسیاری در جهان اسلام داشته ایم.

در ادامه این همایش، لاریجانی با طرح سوال دیگری نظر و دیدگاه دکتر دینانی را درباره آیت الله جوادی آملی جویا شد و چهره برجسته فلسفه کشور اینچنین پاسخ داد: بدون ذره ای تعارف می گویم زمانی که افتخار داشتم در محضر علامه طباطبائی باشم حکمت و فلسفه را از ایشان آموختم؛ علامه درس روزانه ای داشت که تنها برخی از طلبه های خاص نزد ایشان حاضر شده و دوره اسفار الشفاء را درس می گرفتند اما ایشان جلسه های خصوصی شبانه ای هر پنجشنبه و جمعه در منزل های مختلف داشت که در آن زمان من که فرد مجردی بودم (اما آیت الله جوادی آملی متاهل و دارای فرزند بود) در این جلسات شرکت می کردم.

وی ادامه داد: تعداد حاضران در این جلسات خصوصی از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی کرد و هیچ فردی بدون اجازه و پذیرش علامه نمی توانست در این جلسات حضور پیدا کند. آیت الله جوادی آملی، عضو ثابت و همیشگی این جلسات بودند که حتی یک نوبت نیز غیبت نداشتند. استاد همه مسایل را با نظم می نوشتند و جدیت خاصی در یادگیری داشتند. در این جلسات سوال های بسیاری مطرح می شد و گفت و گو انجام می گرفت و می توان به اصطلاح جدید به آن درس خارج فلسفه گفت که با تدریس یک کتاب ادامه پیدا نمی کرد بلکه سوالي مطرح می شد، سپس پیرامون این سوال بحث و گفت و گو شکل می گرفت به طور مثال بحث قوه و فعل چند ماه به طول می انجامید و اشکالات بسیاری بر مسایل مطرح شده وارد می شد که یکی از مستشکلان اصلی آیت الله جوادی آملی بودند.

منصوری لاریجانی سوال بعدی خود را از ابراهیمی دینانی چنین پرسش کرد که چگونه دین و فلسفه با یکدیگر جمع می شوند؛ چهره برجسته فلسفه کشور نیز این چنین پاسخ داد: هرچه عقل قوی تر باشد، دین نیز قوی تر می شود. روایت است که رسول اکرم (ص) وارد مسجدی شدند و دو حلقه از مردم نشسته بودند که گروهی از آنها عبادت و گروه دیگر بحث علمی می کردند اما پیامبر اسلام (ص) به گروهی که بحث علمی داشتند پیوستند و این مسئله نشان می دهد علم بر عبادت افضل است.

ابراهیمی دینانی تاکید کرد: امروز مدعیان دین در جهان اسلام یعنی گروه های تکفیری همچون طالبان، بوکوحرام و داعش بهره ای از علم نبرده اند اما افراد دینداری هستند به طور مثال ابوبکر البغدادی تمام قرآن را حفظ بوده و شاید بهتر از ما نیز می فهمد اما او اسلامی را به جهان نشان می دهد که فاجعه آمیز و بدنام است. در حقیقت داعش دین باور است اما عقل حسابی ندارد و شاید اگر یک دوره ابن سینا و علامه طباطبائی (و ه) را می خواندند تا این اندازه بی عقل نبودند و این یعنی قشریت و بی عقلی بنابراین بلایی که آنها بر سر جهان اسلام می آورند مایه تاسف است، جهان اسلامی که سراسر علم و عقل است اما آنها چاقو به دست می گیرند و انسان ها را می کشند.

منصوري لاريجاني در ادامه ديناني را خطاب قرار داد و گفت: مسئله مشترك ميان شما و آيت الله جوادي آملی، ارادت به علامه طباطبايي (ره) است كه در بيانات و آثارتان هويداست، شما در علامه چه چيزيديد كه همچنان پس از گذشت چند سال عشق ايشان در شما شعله مي كشد؟

ابراهيمي ديناني در به پاسخ سوال ياد شده بيان كرد: اين پرسش خوبي است و مرحوم علامه يكي از آيات مسلم حق بود؛ من با اينكه همه غرب را ديده و با فلاسفه آن آشنا هستم اما همچنان از عظمت علامه حيران هستم؛ ايشان مردی بود كه از شهر سنتي تبريز برخواست در شهر سنتي نجف درس خواند، سپس به شهر سنتي قم مهاجرت كرد و به تحصيل و تدريس پرداخت يعني علامه در سه شهر سنتي زندگي كرد، بنابراين، علي القاعده ايشان بايد سنتي فكر كنند اما من كه همه آثار فلاسفه غرب را خوانده ام آزاداندیش تر از اين مرد ندیدم. وقتي ظاهر زندگي علامه و تعبد و آرامش ايشان را مي دیدیم اينچنين گمان نمی كرديم اما استاد در خلوت به چيزي نبود كه فكر نكرده و مطلبي بر او سنگيني نكرده باشد و ما هرچه مي خواستيم به علامه مي گفتيم و هيچ چيز بر او نكره نبود ضمن آنكه در عمل هيچ واجب و مستحبي از ايشان ترك نمی شد اما در اندیشه كاملاً آزاد بود.

منصوري لاريجاني در ادامه سوال پاياني خود را از ديناني اين چنين مطرح كرد: آيت الله جوادي آملی علوم انساني را اسلامي و غيراسلامي نمی دانند بلكه ماهيت تمامي علوم را الهي و كاشف از حقيقي مي دانند كه در هستي وجود دارد. نظر شما در اين باره چيست؟ ديناني در پاسخ به سوال ياد شده بيان كرد: همين طور است و بدون هستي شناسي سرانجام فرد پوچ گرایی خواهد بود.